



سال پنجم - شماره بیانی ۹۷۲ - شماره ۴۸ دوره جدید - چهارشنبه ۵ خرداد ۱۳۸۹ - ۱۲ جمادی الثانی ۱۴۳۱ - ۱۲ مه ۲۰۱۰

می، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
آب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
ژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵
ش: شرکت نوآوران جهان رسانه ایرسا - تلفن: ۸۸۸۲۳۳۹۰
رستان: شرکت پیام‌رسان پیروز - تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
امور فنی، آتلیه و لیوگرافی: روزنامه شرق
جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۷-۶۶۸۲۳۳۴۶

آخر

دشمنه‌های روشنفکری: درباره که سنت ترجمه امروز و

بهاء‌الدین



چند روزی است که خواندن کتابی را شروع کرده‌ام و جمله به جمله مفیدش را روی کاغذهای فیش‌برداری یادداشت می‌کنم. دلیل این یادداشت‌ها هم برمی‌گردد به کتابی که این روزها مشغول نوشتن و تدوین آن هستم. کتاب «مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران» کنار دستم است. این همایش یک دهه پیش یا ابرومندی برگزار شد و همه مترجمان برجسته و فرزانه هم حضور داشتند. از یک سال کمتر و از شش ماه بیشتر است که روی کتابی با عنوان «ترجمه کاوی» کار می‌کنم و برای همین هم سراغ پژوهش‌هایی از این دست رفتم چرا که در کتاب «ترجمه کاوی» هم مباحثی را درباره چند و چون ترجمه بررسی می‌کنم. سعی کرده‌ام مباحث‌های گوناگون ترجمه را بررسی کنم. سنت ترجمه ادبی را از هزاران سال پیش به این سو به خواننده معرفی کنم و نمونه‌هایی از ترجمه قدما را در آن بیاورم. حالا هم با توجه به بحث‌هایی که در همایش ترجمه ادبی مطرح شده، این مباحث را تحلیل می‌کنم و درباره هر کدام از سنت‌های ادبی توضیحاتی می‌دهم و گاهی هم این سرفصل‌ها را نقد می‌کنم. برای نمونه وقتی مترجمی از ترجمه لفظ به لفظ دفاع می‌کند دلایل رد این رویکرد را می‌آورم و با نقل نمونه‌ها به نقد این روش می‌پردازم. به هر حال قرار است این کتاب را به انتشارات «قلم» بسپرم و احتمالاً فصل پاییز که روزهای رونق بازار کتاب است، «ترجمه کاوی» روانه بازار می‌شود. «کاوی» هم از آن کلمه‌هاست، حداقل در پنج کلمه پسوند «کاوی» را داریم. واژه‌هایی همچون «روان‌کاوی»، «زرف‌کاوی»، «درون‌کاوی» و «واکاوی» را زیاد استفاده می‌کنیم. برای همین هم فکر کردم بد نیست از «ترجمه کاوی» استفاده کنم. ۳۰ سال پیش هم استفاده از پسوند «پژوهی» پیشنهاد من بود و حالا این پسوند جا افتاده و استفاده می‌شود. از «مولوی‌پژوهی» بگیر تا «شاهنامه‌پژوهی». فکر کردم مردم خسته شده‌اند و بد نیست

آخرین پیشنهاد: کتاب «اه توصیه‌ای برای»

بهبه

مه: ننه د: آ: - - -

نمای نزدیک: دکتر محمد علی حق شناس در آستانه نگرستن به دیگری

فرزان سجودی



نوشته‌های دیگر. حق شناس به مثابه نوشتار در کل زبان فارسی جریان می‌یابد و تکثیر می‌شود و از این طریق با فرآیند تاریخی شدن به بخشی از زبانی فرهنگی تبدیل می‌شود. ترجمه‌های او ما را در آستانه نگرستن به دیگری، دیگری همزمان و دیگری تاریخی قرار داد و با برگردان این دیگری به فارسی داشته‌های دیگری را به بخشی از خزانه داشته‌های خود تبدیل کرد و این یعنی عرصه عمل بین‌فرهنگی. این جریان پویایی است که در فرهنگ هزاره به چشمه‌های جوشان تبدیل می‌شود. چشمه زاینده متن، چرا که فرهنگ هزاره نوشتاری است که خود منشأ نوشته‌های کثیر است و خود را در متون بسیار تکثیر می‌کند. هر ترجمی که واژه‌های را از این فرهنگ برمی‌گزیند، هزاره و فارسی‌نویسی به شیوه آن را در زبان و در فرهنگ جاری می‌کند. همین‌گونه است در مورد کتاب‌ها و مقالات علمی او که هر پژوهشگر و دانشجویی که به آنها ارجاع می‌دهد، حتی آنها را نقد می‌کند، نوشتار او را تکثیر می‌کند. فقط در قالب نوشتار است که او بیوسته می‌تراود به بدنه دانش، به بدنه فرهنگ و همچنین زبان.

شخصیت دکتر حق شناس به عنوان یک شخص، پدر، استاد، دوست، همکار بی‌تردید رشک‌برانگیز بود. کیست که نخواهد مثل حق شناس باشد، کیست که نخواهد مانند حق شناس سخن بگوید، یا آن دقت و طرافت در انتخاب واژگان، صبورانه، شمرده و آرامش‌بخش، کیست که نخواهد مانند حق شناس رفتار کند، متین و موقر، خوشرو و آداب‌دان، کیست که نخواهد از هر جهت چون حق شناس باشد. اما من می‌خواهم از حق شناس دیگری سخن بگویم. حق شناس به مثابه متن. حق شناس به مثابه نوشتار. حق شناس برای آن که متن باشد، نوشتار باشد، باید آن یکی حق شناس را که فقط برخی می‌شناسند به غیاب براند تا متنی متولد شود که در غیاب او به حیات پیوسته خود ادامه می‌دهد. تولد متن به بهای مرگ مولف. حق شناس به مثابه نوشتار هستی‌ای چندوجهی بود. زبان شناس و نشانه‌شناس، ادیب و منتقد ادبی، شاعر، مترجم و فرهنگ‌نویس. حق شناس به مثابه نوشتار یعنی فرهنگ هزاره، یعنی آواشناسی، یعنی مقالات ادبی زبان‌شناختی، یعنی زبان‌سایر، زبان بلومفیلد، یعنی تاریخ زبان‌شناسی، یعنی بودن در شعر و آینه، یعنی دهه‌ها پایان‌نامه و رساله در زبان‌شناسی و ادبیات فارسی و بسیار

صد پیشنهاد: کتاب «ظلم، جهل و برزخیان زمین»

شیشکی به ظلم و جهل

اسدالله امرایی



جای دیگر زیارت کرده‌ام. خواندن نوشته‌هایش را توصیه نمی‌کنم که هیچ، پیشنهاد هم می‌کنم که برای خواندنش شرط کبر سن بگذارند. هر چند اعجاز نثر و معناست. خب عزیز من دست بچه که سکه طلا بدهی، بفرستی به دکان بقالی معلوم است چه می‌شود. دست آدم بزرگ هم باید با احتیاط بدهی و تازه از او بخواهی از مکان خلوت عبور نکند و آدم مشکوک دیده خودش را جمع و جور کند. فکر بد نکنید منظورم سارقان محترم هستند. من دو سه روز پیش به علت علاقه‌ای که به ظلم داشت

گاهی وقت‌ها فکر می‌کنم اگر نویسنده‌های خوب نداشتیم، چه اتفاقی می‌افتاد. مقاله‌نویس خوب نداشتیم که بی‌نیاز شویم از برخی کتاب‌ها که چشم و گوش آدم را باز می‌کند و ذهن آدم را به هم می‌ریزد و ایمان فلک را به یاد می‌دهد، چه اتفاقی می‌افتاد. مطالعه بعضی کتاب‌ها به خصوص وقتی خوب نوشته شده باشند و حساب همه را رسیده باشند، می‌شود غم‌نامه که عن‌قریب، روح از بدن آدمی خارج می‌کند. کتاب «ظلم، جهل و برزخیان زمین» را محمد قاند نوشته که اسپه‌زیری هم دارد. به قول فرنگی‌ها سبابت‌اتل. زیرنویس مال فیلم‌های سینمایی است که جواس بیننده را هم پرت می‌کند. ام.

در جایی دیده‌ام. حدیث شده است، مسابقات فوتبال امیدهای تهران با برگزاری داری دو تیم استقلال و پرسپولیس می‌تواند نگاه‌های بسیاری را به سوی خود،